



The Right of Visiting and Custodianship in the National Child and Adolescent Rights Document

Maryam al-Sadat Mohaghegh Damad¹

1. Department of Family Law, Imam Sadegh University, Women's Campus, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Emotional dependence between family members gives them the right to live together and enjoy being together. When the parents separate from each other for any reason, the child loses the possibility of living with both of them at the same time, and in this case, through the right of custody and visitation; he still maintains the possibility of benefiting from the existence of his parents. This study was conducted with the aim of investigating the visitation and custody rights, emphasizing the National Child and Adolescent Rights Document.

Method: The present fundamental article has been done in the documentary-library method in the descriptive-analytical type and by studying the internal laws and regulations.

Results: The word "child" or "infant" does not have a precise definition in the various laws and regulations in the country, and some judges have considered girls after the age of nine to be outside the title of children and they do not enter into custody or visitation disputes.

Conclusion: According to the spirit of the laws, it does not seem logical to deprive a nine-year-old child of the right to custody. For this reason, after examining this issue in the existing laws and regulations, it seems that, as dictated by custom and equity and also based on the articles mentioned in the National Document on the Rights of Child and Adolescent, children and adolescents need custody and guardianship and the competent court has the ability to investigate and determine duties in relation to them.

Keywords: The Right of Visiting; The Right of Custodianship; The Right of Upbringing; The Legal Concept of the Child; National Child Document

Corresponding Author: Maryam al-Sadat Mohaghegh Damad; **Email:** m.mohaghegh@isu.ac.ir

Received: January 30, 2022; **Accepted:** April 16, 2022

Please cite this article as:

Mohaghegh Damad MA. The Right of Visiting and Custodianship in the National Child and Adolescent Rights Document. *Child Rights Journal*. 2022; 4(13): 13-21.



انجمن علمی حقوق کودکان ایران



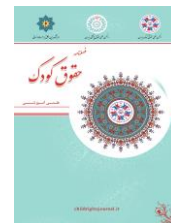
انجمن علمی حقوق بزرگسالان ایران



انجمن علمی حقوق کودکان ایران

فصلنامه حقوق کودک

دوره چهارم، شماره سیزدهم، بهار ۱۴۰۱، صفحات ۲۱-۱۳

Journal Homepage: <http://childrightsjournal.ir>

حق ملاقات و حضانت در سند ملی حقوق کودک و نوجوان

مریم‌السادات محقق داماد^۱

۱. گروه حقوق خانواده، دانشگاه امام صادق (ع)، پردیس خواهران، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: وابستگی عاطفی بین اعضای خانواده به آن‌ها این حق را می‌دهد که با هم زندگی کنند و از کنار هم بودن لذت ببرند. زمانی که والدین به هر دلیلی از یکدیگر جدا می‌شوند، فرزند امکان زندگی کردن همزمان با هر دوی آن‌ها را از دست می‌دهد و در این حالت به وسیله حق حضانت و ملاقات امکان بهره‌مندی از وجود والدین خود را کماکان حفظ می‌کند. این مطالعه با هدف بررسی حق ملاقات و حضانت با تأکید بر سند ملی حقوق کودک و نوجوان، انجام گردید.

روش: مقاله بنیادی حاضر به روش اسنادی - کتابخانه‌ای در نوع توصیفی - تحلیلی و با مطالعه قوانین و مقررات داخلی انجام یافته است.

یافته‌ها: واژه «کودک» و یا «طفل» در قوانین و مقررات مختلف موجود در کشور تعریف دقیقی ندارد و عده‌ای از قضات دختران را پس از سن نه سالگی خارج از عنوان کودک دانسته و در دعوای حضانت یا ملاقات آن‌ها ورود نمی‌کنند.

نتیجه‌گیری: با توجه به روح قوانین، منطقی به نظر نمی‌رسد که یک کودک نه ساله از حق داشتن حضانت محروم گردد. به همین دلیل، پس از بررسی این مسأله در قوانین و مقررات موجود، به نظر می‌رسد همانطور که عرف و انصاف حکم می‌کند. همچنین بر اساس موادی که در سند ملی حقوق کودک و نوجوان نیز ذکر شده است، کودکان و نوجوانان نیازمند به حضانت و سرپرستی است و دادگاه صالح قابلیت رسیدگی و تعیین تکلیف در رابطه با آنان را دارد.

واژگان کلیدی: حق ملاقات؛ حق حضانت؛ حق تربیت؛ مفهوم حقوقی کودک؛ سند ملی کودک

نویسنده مسئول: مریم‌السادات محقق داماد؛ پست الکترونیک: m.mohaghegh@isu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۷

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Mohaghegh Damad MA. The Right of Visiting and Custodianship in the National Child and Adolescent Rights Document. Child Rights Journal. 2022; 4(13): 13-21.

مقدمه

وحدت و انسجام خانواده در همه ادیان و مکاتب امری پسندیده است. کودک حق دارد در کنار والدین خود زندگی کند، اما گاهی ممکن است در شرایط استثنایی عواملی منجر به جدایی کودک از والدینش شود. کنوانسیون حقوق کودک در ماده ۹ خود تأکید نموده است که کودکان نباید علیرغم خواسته‌شان از والدین خود جدا شوند، مگر به تشخیص مقامات ذیصلاح، مطابق قوانین و مقررات و پس از بررسی‌های قضایی و در راستای مصلحت کودک.

از آنجا که حقوق کودک پس از جنگ جهانی دوم مورد توجه جامعه بین‌المللی قرار گرفته است، علاوه بر کنوانسیون حقوق کودک، اسناد متعدد دیگری نیز به حق حضانت و ملاقات کودک اشاره کرده‌اند. به طور مثال، اصل ششم اعلامیه جهانی حقوق کودک سال ۱۹۵۹ از «ضرورت سرپرستی و حمایت والدین از کودکان به منظور پرورش آنان در محیطی مملو از محبت و امنیت کافی» یاد کرده است.

نظام حقوقی اسلام نیز همواره بر وحدت و انسجام بنیاد خانواده تأکید نموده و در آموزه‌های خود تلاش کرده است تا جدایی‌ها را محدود کند، مگر اینکه بنا به مصلحت کودک باشد.

با وجود تأکیدهای فراوان برای حفظ وحدت خانواده و حق زیستن کودک با آن‌ها، در برخی مواقع ادامه زندگی مشترک برای زوجین ممکن نیست. در چنین شرایطی، موضوع حق ملاقات و حق حضانت کودکان اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. پرسش‌هایی از قبیل اینکه کودک در چه شرایطی حق ملاقات با والد غیر حاضن را دارد؟ دادگاه تا چه سنی حق مداخله و صدور رأی برای تعیین حق حضانت را دارد؟ و حتی سؤال مهم‌تر اینکه کودک اساساً چه تعریفی دارد و کدام رده سنی را در بر می‌گیرد

تا بتوان برای او حق قانونی قائل شد؟، از جمله سؤالات اصلی این مقاله است که در ادامه با تحلیل و بررسی قوانین و مقررات مربوطه در داخل کشور و نیز با تأکید ویژه بر سند ملی حقوق کودک و نوجوان به بیان آن پرداخته خواهد شد.

۱. پیشینه پژوهش: در برخی از کتب و مقالات حقوقی به اشکال مختلف به مفهوم حضانت و ولایت اشاره شده است، اما پژوهش حاضر دارای نوآوری‌هایی در این زمینه است و نمونه مشابهی با آن یافت نمی‌شود، زیرا با تأکید بر سند ملی حقوق کودک و نوجوان، به نحوی دقیق و عمیق به مفهوم کودک پرداخته و به دادرسی در امور کودک و نوجوان توجه ویژه داشته است تا در زمینه رسیدگی قضایی، به شکل عملی معضل موجود را حل و فصل نماید.

همانطور که ذکر شد، مطالعات گسترده‌ای در حوزه حضانت انجام شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: در مقاله‌ای تحت عنوان «مبانی فقهی حضانت کودک با تأکید بر اعلامیه جهانی حقوق کودک»، همانطور که از نامش پیداست، به مبانی فقهی حضانت با توجه به اعلامیه حقوق کودک پرداخته شده است (۱). در مقاله دیگری با عنوان «بررسی فقهی - حقوقی حق حضانت اطفال»، موضوع حضانت، مدت آن و مسأله حق یا تکلیف بودن حضانت مورد مطالعه قرار گرفته است (۲). توجه اصلی مقاله «مبانی فقهی حضانت کودک» نیز بر موضوع حضانت پدر و جد پدری است (۳). در پژوهش دیگری با موضوع «نگاهی حقوقی به حضانت اطفال»، نگاهی فقهی و حقوقی به مفهوم حضانت و شرایط حضانت مادر و پدر اتخاذ شده است (۴)، اما وجه تمایز تمامی موارد مذکور با پژوهش حاضر، توجه ویژه این مقاله به موضوع ملاقات در کنار حضانت و بررسی مفهوم کودک با توجه به سند ملی حقوق کودک و نوجوان است.

قانون مدنی در مواد ۱۱۶۸ تا ۱۱۷۹ در مورد حضانت اطفال مباحثی مطرح کرده است. علاوه بر آن، قوانین دیگری نیز راجع به حق حضانت به تصویب رسیده است، مانند قانون مربوط به حق حضانت (مصوب ۱۳۶۵ ش.) بند ۲، اصل بیست و یکم قانون اساسی و... با این حال، هنوز هم ابهاماتی در رابطه با آن وجود دارد که در ادامه مطرح خواهد شد.

۲-۳. حق ملاقات: شاید این سؤال به ذهن متبادر شود که آیا در صورت جدایی، برای کودک و والدین حق ملاقات وجود دارد؟ پاسخ به این پرسش را می‌توان در عنوان «حق الرحم» جستجو کرد. در شریعت اسلام، قطع رحم از گناهان بزرگ و صله رحم امری واجب دانسته شده است (۸).

این امر بیانگر آن است که رابطه خویشاوندی یک رابطه اعتباری صرف نیست، بلکه رابطه‌ای واقعی است و منشأ آن رابطه خونی و تکوینی است. در رابطه بین کودک و والدین این رابطه قوی‌تر است، به گونه‌ای که هیچ نیرویی حق جدانمودن فرزند از والدین را ندارد و چنانچه به دلایلی، از جمله طلاق، بین آن‌ها جدایی حاصل شود، حق ملاقات برای آن‌ها باقی است (۹).

از این رو به نظر برخی از صاحب‌نظران، اگرچه در عبارت «حق ملاقات» واژه «حق» به کار رفته است، اما این تعبیر مسامحی است و این حق از سنخ حکم و تکلیف است، زیرا ملاقات کودک و والدین در حفظ رشته خانواده تأثیر دارد. بنابراین پدر و مادر نباید حق ملاقات کودک را ساقط نمایند (۱۰). شیخ طوسی نیز می‌فرماید: «پدر حق ندارد مانع از اجتماع مادر با فرزند گردد، زیرا موجب قطع رحم می‌گردد که امری است حرام» (۱۱).

قانون مدنی نیز حق ملاقات را معتبر دانسته و به موجب ماده ۱۱۷۴: «در صورتی که به علت طلاق یا به هر جهت دیگر، ابوین طفل در یک منزل سکونت نداشته باشند، هر

۲. مفاهیم کلیدی: قبل از ورود به بحث، لازم است برخی از مفاهیم اصلی پژوهش بررسی شوند:

۱-۲. کودک: مفهوم کودک از دیدگاه علما و فقهای اسلامی قابل بررسی است. علمای اسلامی ادوار مرتبط با کودکی را به سه دوره تقسیم کرده‌اند: ۱- از ولادت تا هفت سالگی (صبی غیر ممیز)؛ ۲- از هفت سالگی تا ظهور بلوغ (صبی ممیز)؛ ۳- از سن بلوغ به بعد که شخص دارای مسئولیت کامل است (۵).

قانون مدنی ایران در ماده ۱۲۱۰ بلوغ را پایان دوره کودکی دانسته و در اصلاحات پس از انقلاب، نه سالگی برای دختر و پانزده سالگی برای پسر معیار بلوغ معرفی شده است. در قوانین دیگر نیز سنین متنوعی برای پایان کودکی پیش‌بینی شده است.

همانطور که ملاحظه می‌شود، ابهام در مفهوم کودک و پایان دوره کودکی در قوانین کشور مشهود است و این ابهام، چنانکه در ادامه بیان خواهد شد، در بهره‌مندی کودک از حقوقش از جمله حق حضانت، آثار مخربی خواهد داشت.

۲-۲. حق حضانت: حضانت در لغت به معنای «تربیت، تدبیر، آموزش و حفظ و صیانت» و در اصطلاح به معنای «سرپرستی بر طفل و مجنون جهت تربیت، حفظ و نگهداری او و انجام هر کاری که به مصلحت اوست» آمده است (۶).

حضانت ناظر بر مراقبت، محافظت، نگهداری و بزرگ کردن طفل است. این امر مستلزم تغذیه طفل و تر و خشک کردن اوست. از آنجا که از حضانت تعریف قانونی‌ای ارائه نشده است، «هر عملی که برای نگهداری و حفاظت طفل حسب شرایط مورد نیاز است، داخل در حضانت خواهد بود. حضانت و نگهداری از طفل ممکن است مستقیماً توسط صاحب حق حضانت یا با به کارگیری دایه و مربی انجام گردد» (۷).

تکلیف ابوبن است»، پس موضوع حضانت «طفل» است. از سوی دیگر، طفل به فرزند نابالغ گفته می‌شود. بر اساس تبصره ماده ۱۲۱۰ ق.م. «تبصره ۱- سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است. پس با رسیدن پسر و دختر به سن بلوغ، از حضانت پدر و مادر خارج می‌شوند. با توجه به این مواد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که قضات دادگاه نیز تکلیفی در رسیدگی به پرونده حضانت دختر ده ساله ندارند. مهم‌ترین دلیل قضات نیز مربوط به لغت «طفل» مندرج در ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی است. ایشان چنین استدلال می‌کنند که موضوع حضانت «طفل» است و با پایان طفولیت، ادامه حضانت معنایی ندارد. لازم به ذکر است که در تمامی مواد مربوط به حضانت، یعنی از ماده ۱۱۶۹ تا ۱۱۷۹ در قانون مدنی، منحصراً از واژه «طفل» استفاده شده است (۱۳).

اما این نتیجه‌گیری در عرف مورد قبول نیست، زیرا بسیار عجیب است که دختری پس از سن بلوغ خارج از موضوع حضانت دانسته شود. فقها نیز معتقدند: «زمانی فرزند از حضانت خارج می‌شود که بالغ و رشید شود. اگر بچه‌ای بالغ شود، ولی سفیه و مجنون باشد، همچنان تحت حضانت باقی خواهد ماند» (۱۴).

مطابق ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۰ و منسوخ) و تبصره ۱ ماده ۲۱۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، «طفل» به کسی اطلاق می‌شود که به سن بلوغ نرسیده باشد، سن بلوغ نیز بنا بر تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی، برای دختران نه سال و برای پسران پانزده سال است. بنابراین مشکل پایان سن حضانت کماکان باقی است.

اما آیا قانون حمایت خانواده مشکل را حل کرده است؟ ماده ۴۱ می‌گوید: «هرگاه دادگاه تشخیص دهد که توافقات در خصوص ملاقات، حضانت، نگهداری و سایر

یک از ابوبن که طفل تحت حضانت او نباشد، حق ملاقات طفل خود را دارد. تعیین زمان و مکان ملاقات و سایر جزئیات مربوط به آن، در صورت اختلاف بین ابوبن با محکمه است.»

هرچند قانون مدنی حق ملاقات را برای ابوبن به رسمیت شناخته است، اما برخی معتقدند این حق منحصر به پدر و مادر نیست و اجداد پدري و مادري نیز نباید از این حق محروم گردند، حتی در موردی که دادگاه تشخیص دهد، می‌تواند برای ملاقات با سایر خویشان مثل برادران و خواهران نیز رأی مقتضی صادر کند (۱۲).

روش

مقاله حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و با مطالعه قوانین و مقررات داخلی انجام یافته است. چالش اصلی زمانی حاصل می‌شود که واژه «کودک» و یا «طفل» در قوانین و مقررات مختلف موجود در کشور تعریف دقیقی ندارد و عده‌ای از قضات دختران را پس از سن نه سالگی خارج از عنوان کودک دانسته و در دعوی حضانت یا ملاقات آن‌ها ورود نمی‌کنند.

یافته‌ها

۱. چالش حق حضانت و ملاقات: همانطور که ذکر شد، عدم ارائه تعریفی روشن از مفهوم طفل، کودک و حتی نوجوان در قوانین و مقررات کشور، مشکلات زیادی در بهره‌مندی از حق حضانت و ملاقات ایجاد کرده است. بنابراین مشکل اصلی با واژه «طفل» آغاز می‌شود. مهم‌ترین پرسش در مورد حضانت این است که کودک چه زمانی از حضانت پدر و مادر خارج می‌گردد؟ قانون مدنی پاسخ صریحی به این پرسش نداده است. در ماده ۱۱۶۸ چنین آمده: «نگاهداری اطفال هم حق و هم

با رسیدن طفل به سن بلوغ شرعی که در پسر پانزده سال و در دختر نه سال تمام قمری است، موضوع حضانت (امر غیر مالی) منتفی است و فرد بالغ (پس از بلوغ شرعی) می‌تواند با هر یک از والدین یا اجداد خود که بخواهد زندگی کند.

۲- در مورد «ملاقات فرزند بالغ کمتر از هجده سال»، با عنایت به منطوق ماده ۴۵ قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۹۱، چنانچه مصلحت و غبطه کودک یا نوجوان ایجاب کند، صدور حکم ملاقات چنین فرزندی با هر یک از والدین و تهیه الزامات آن توسط فرد دیگر بلاشکال و احراز این امر بر عهده دادگاه است.

ملاحظه شد که با مراجعه به قوانین موجود، گره‌ای از مسأله حضانت و ملاقات کودکان پس از رسیدن به سن بلوغ باز نشد و مشکل همچنان باقی ماند. برای برون‌رفت از این مشکل، در ادامه مراجعه‌ای کوتاه به کنوانسیون حقوق کودک صورت گرفته است.

جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۳ به صورت مشروط کنوانسیون حقوق کودک را پذیرفته و مجلس شورای اسلامی نیز آن را تصویب کرده است. طبق ماده ۱ این کنوانسیون، منظور از کودک افراد زیر هجده سال است، مگر اینکه طبق قانون قابل اجرا، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود. همانطور که پیداست، کنوانسیون در رابطه با شروع کودکی سکوت کرده است. همچنین قید «مگر» مجدداً منجر به ارجاع به قوانین داخلی و در نتیجه باعث ابهام در رابطه با مفهوم کودک می‌شود.

۲. رویکرد سند ملی حقوق کودک: مهندسی فرهنگی یکی از مطالبات اصلی رهبر معظم انقلاب اسلامی از شورای عالی انقلاب فرهنگی به شمار می‌رود. در سوم شهریورماه ۱۳۹۲، نقشه مهندسی فرهنگی کشور توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید. سند ملی حقوق کودک و نوجوان در شورای عالی انقلاب فرهنگی و

امور مربوط به طفل، برخلاف مصلحت اوست یا در صورتی که مسئول حضانت از انجام تکالیف مقرر خودداری کند یا مانع ملاقات طفل تحت حضانت با اشخاص ذی‌حق شود، می‌تواند در خصوص اموری از قبیل واگذاری امر حضانت به دیگری یا تعیین شخص ناظر با پیش‌بینی حدود نظارت وی و با رعایت مصلحت طفل، تصمیم مقتضی اتخاذ کند». تبصره: قوه قضاییه مکلف است برای نحوه ملاقات والدین با طفل، ساز و کاری مناسب با مصالح خانواده و کودک فراهم نماید. آیین‌نامه اجرایی این ماده ظرف شش ماه توسط وزارت دادگستری تهیه می‌شود و به تصویب رییس قوه قضاییه می‌رسد. همچنین مطابق با ماده ۴۵: «رعایت غبطه و مصلحت کودکان و نوجوانان در کلیه تصمیمات دادگاه‌ها و مقامات اجرایی الزامی است. همچنین مواد ۶۶ تا ۶۸ آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۳ به حق ملاقات والدین غیر حاضن اشاره نموده است.»

نکته جالب توجه این است که ماده ۴۱ فقط واژه «طفل» را آورده، اما ماده ۴۵ واژه «نوجوان» را هم اضافه کرده است.

برای حل مشکل به نظریه مشورتی مراجعه شده است. نظریه مشورتی مستنبط از ماده ۴۵ قانون حمایت خانواده است. قانون حمایت خانواده بیان می‌دارد که رعایت غبطه و مصلحت کودکان و نوجوانان در تمامی تصمیمات دادگاه‌ها و مقامات اجرایی الزامی است. این قانون علاوه بر کودکان، نوجوانان را هم مشمول حکم دانسته است، اما همچنان این سؤال باقی است که: آیا دعوای ملاقات یا حضانت طفل بالغ کمتر از هجده سال قابل استماع و رسیدگی است یا خیر؟

پاسخ: ۱- در خصوص «حضانت فرزند بالغ کمتر از هجده سال» مستند به ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی و رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور به شماره ۳۰ مورخه ۱۳۶۴/۱۰/۳

نمی‌شود.» اگر ماده مذکور در مقام تعریف مفهوم است، چرا این مفاهیم در همان ماده اول بیان نشده‌اند؟ و اگر به دنبال تعریف صرف نیست و موضوع مهمی دیگری را بیان می‌کند، آن موضوع چیست؟ زیرا همانطور که در بالا اشاره شد، قانون مدنی و سایر قوانین تنها در همین حد موضوع را شفاف‌سازی کرده‌اند و ابهام موجود در رابطه با پایان سن حضانت کماکان باقی است.

در ماده ۵ سند، حقوق خانوادگی کودک و نوجوان بیان شده است، از جمله در بند ۲، حضانت کودک و نوجوان بر عهده والدین دانسته شده است. در بند ۳، کودک و نوجوان حق «با خانواده بودن» را دارد و باید با بستگان و اعضای خانواده رابطه‌ای صمیمانه داشته باشد و در صورت وجود مشکلات، دادگاه صالحه ورود می‌کند. در این ماده به وظایف والدین در ابعاد مختلف تربیت و مسئولیت‌پذیری و همچنین حق اعمال نظارت و دخالت بر رفتار فرزند توجه شده است. جالب اینجاست که در این ماده، نوجوان نیز در کنار کودک ذکر شده است. بر اساس این بند، در صورت بروز مشکل، دادگاه دارای صلاحیت برای رسیدگی است. در بند ۴ نیز برای سرپرستی کودکان و نوجوانان، حق مداخله دادگاه صالح مطرح شده است.

اما بند ۵ در واقع نقطه عطفی برای حل مشکل حضانت و ملاقات کودک و نوجوان با والدین است. «کودک و نوجوان حق ملاقات و ارتباط با والدین و بستگان خویش را دارد، مگر در مواردی که اعمال چنین حقی منافی غبطه و مصلحت او باشد. در مواردی که بنا بر حکم دادگاه صالح، جداسازی وی از والدین یا یکی از آنها ضروری باشد...»

برای پوشش ایرادات و نقاط ضعف کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک، پیرو اقدام ملی ۳۴ از راهبرد کلان ۳ نقشه مهندسی فرهنگی کشور، مبنی بر تدوین سند ملی کودک و نوجوان بر اساس آموزه‌ها و معارف اسلامی و جهت ارائه الگوی اسلامی - ایرانی در حوزه حقوق کودک و نوجوان نهایی شده است و جزء عالی‌ترین اسناد مرتبط با کودکان تلقی می‌شود. مصوبه مذکور شامل کلیات، مقدمه و چهارده ماده است. در این سند، ابتدا به تعریف مفاهیم به کاررفته پرداخته شده است و با تفکیک مفاهیم «کودک» و «نوجوان»، کودک را انسانی که به سن بلوغ نرسیده و نوجوان را فرد بالغی که به رشد عقلی متناسب با حق و تکلیف ویژه خود نرسیده است، تعریف کرده و از کودکان به عنوان سرمایه‌های اجتماعی یاد کرده است. در دیگر مواد سند به حقوق کودکان و نوجوانان اشاره شده است.

برخی مفاهیم در ماده اول سند تعریف شده‌اند، مانند رشد، بلوغ، سرپرست قانونی و...، اما نکته عجیب این است که در تعریف سرپرست قانونی چنین آمده است: «فردی که مطابق قانون، سرپرست کودکی را بر عهده دارد یا سازمانی عمومی...»، اما در مورد جایگاه سرپرست نوجوان سخنی به میان نیامده است. آیا منظور قانونگذار این بوده که نوجوان از شمول سرپرستی خارج است یا اینکه سهواً و به اشتباه نوجوان را در تعریف خود فراموش کرده است؟ اگر عالم‌اً و عامداً نوجوان از تعریف خارج شده باشد که مشکل حضانت همچنان باقی می‌ماند و نه تنها این تعریف دستاورد جدیدی ندارد، بلکه با سایر مواد همین سند نیز در تعارض خواهد بود. در ماده ۲ سند نیز مفاهیم کودک و نوجوان چنین تعریف شده‌اند: «از نظر سند حاضر، منظور از کودک هر انسانی است که به سن بلوغ نرسیده باشد و منظور از نوجوان، فرد بالغی است که بر اساس قانون به رشد عقلی متناسب با حق و تکلیف ویژه خود نرسیده است. این تعریف شامل افراد بالغ محجور

بحث و نتیجه‌گیری

پس از ذکر برخی مواد مرتبط با حوزه حضانت و ملاقات، می‌توان نتیجه گرفت که سند ملی حقوق کودک و نوجوان:

۱- حضانت را هم برای کودک و هم برای نوجوان قائل شده است؛ ۲- در اکثر موارد جز در بخش تعریف واژه سرپرست قانونی، سرپرستی را هم برای کودک و هم برای نوجوان قائل شده است؛ ۳- بنا بر حکم دادگاه صالح، حق ملاقات را هم برای کودکان و هم برای نوجوانان قائل شده است. از مجموع موارد بالا امید می‌رود که دادگاه صالح در رابطه با حضانت نوجوانان نیز ورود نماید و بنا بر مصلحت آنان، تدابیر مناسبی اتخاذ نماید.

در مقام جمع‌بندی باید اذعان داشت، در قوانین و مقرراتی که تاکنون بر موضوع حضانت و ملاقات کودک و نوجوان حاکم بوده است، ابهامات و مشکلات بسیاری وجود دارد، از جمله ابهام در تعریف واژه طفل، ابهام در آغاز و پایان سن حضانت و ملاقات و ابهام در وظیفه دادگاه برای ورود به موضوع حضانت نوجوانان. در مقاله حاضر ابتدا مختصری از قوانین و مقررات موجود بررسی شد و پس از آن با مطالعه سند تازه تصویب حقوق کودک و نوجوان، نتایجی به شرح زیر حاصل گشت:

۱- واژه «طفل» در قانون مدنی کماکان دارای ابهام است و ظاهراً تعریفی غیر از مفهوم ارائه‌شده از کودک و نوجوان در سند ملی است؛ ۲- به نظر می‌رسد موادی که در سند ملی حقوق کودک و نوجوان ذکر شده است، همانطور که عرف و انصاف حکم می‌کند، مؤید این است که کودک و نوجوان نیاز به حضانت و سرپرستی دارد؛ ۳- قانون مدنی در مورد حق حضانت و ملاقات، طفل را مشمول تکلیف دادگاه برای صدور رأی می‌داند، اما به نظر می‌رسد با توجه به ماده ۴۵ قانون حمایت خانواده و سند ملی حقوق کودک و نوجوان که یک سند بالادستی است، دادگاه صالح قابلیت رسیدگی و تعیین تکلیف در رابطه با کودک

و نوجوان را نیز دارد؛ ۴- با توجه به تکرار واژه طفل در قوانین و مقررات گوناگون، پیشنهاد می‌شود یا این واژه به صورت دقیق تعریف شود یا با توجه به سند ملی حقوق کودک و نوجوان، بهتر است که مفهوم طفل از کودک به نوجوان تسری داده شود.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تضاد منافع

نویسنده هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده است.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

References

1. Hosseini Moghadam A. Jurisprudential foundations of child custody with emphasis on the Un Declaration of the Rights of the Child. *Theological Researches*. 2009; 17: 23-54. [Persian]
2. Sharifi A. Jurisprudential examination of the right of custody of children. *Legal Jurisprudence Studies of Women and Family*. 2018; 1(1): 143-170. [Persian]
3. Heydari M, Adel A. Jurisprudential foundations of child custody. *Discourse on Jurisprudence and Principles*. 2018; 3(3): 81-102. [Persian]
4. Safdari A, Tajeddin A. A legal view of child custody. *Islamic Research and Studies*. 2019; 1(1): 21-26. [Persian]
5. Bojnordi SMM. Examining the concept and criteria of childhood in Islamic thought and Iran's laws to benefit from the relevant rights of children's rights. A collection of articles on children's rights (for the efforts of the working group of children's rights, chair of human rights, Shahid Beheshti University). Tehran: Sana Publications; 2008. [Persian]
6. Roshan M. Family law encyclopedia. Tehran: Jungle Publications; 2016. [Persian]
7. Shiravi A. Family law (marriage, divorce and children). Tehran: Samt Publications; 2016. [Persian]
8. The Holy Quran. Muhammad: 22-23.
9. Mohaghegh Damad MA. The right to live with parents and family unity. A collection of articles on children's rights (comparative study in Islam and international documents). Qom: Mofid University; 2014. [Persian]
10. Imami SH. Civil Rights. Tehran: Islamiyeh Bookstore; 1984. Vol.5. [Persian]
11. Sheikh Tusi MM. Al-Mabsut. Qom: Al-Mortazawieh School; 1984. Vol.6 p.40-41. [Arabic]
12. Safaei SH, Emami A. Family law (kinship and lineage and its effects). 5th ed. Tehran: University of Tehran Printing and Publishing Institute; 2013. Vol.2. [Persian]
13. Hedayat Nia F. Philosophy of family law. Tehran: Public Relations of Women's Social-Cultural Council; 2008. Vol.3. [Persian]
14. Jobaei Ameli (Shahid Sani) ZA. Al-Rozah al-Bahiyah fi Sharh al-Lomah al-Dimashqiyyah. 1st ed. Qom: Davari Publications; 1410. [Arabic]